

هزینه پنهان یک سیاست مسکنی

باز تولید حاشیه‌نشینی به نام خانه‌دار کردن مردم

صفحه ۵



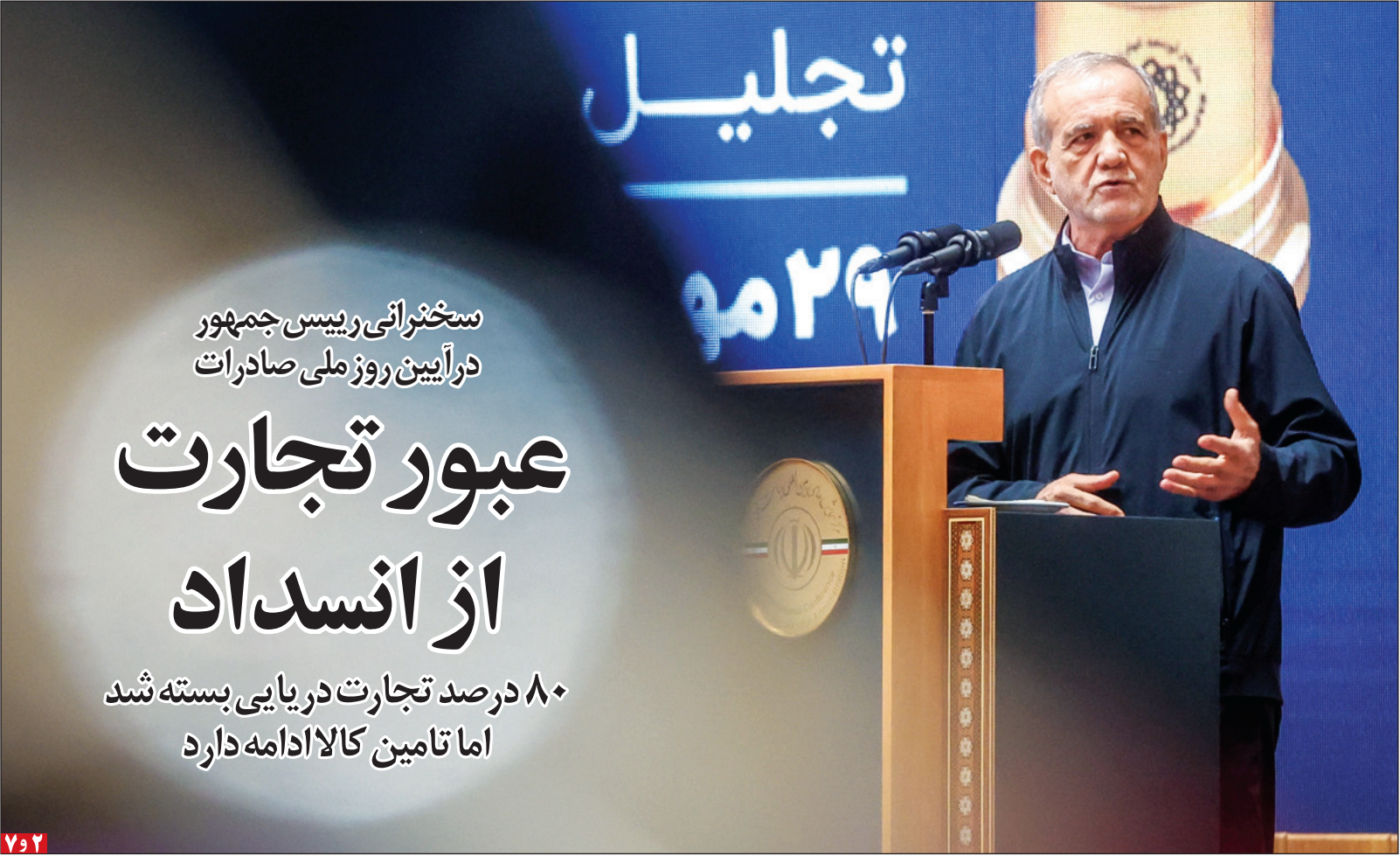
مهار کسری، حذف هزینه‌های کم‌بازده و عبور از بودجه‌ریزی سنتی

بایدهای بودجه‌سال آینده

می‌شود و دولت چهاردهم نیز در حال طراحی و تنظیم بودجه سال ۱۴۰۶ است. این فرایند در شرایطی انجام می‌شود که اقتصاد ایران همچنان با تورم مزمن، محدودیت منابع، ناترازی‌های مالی و بانکی و ضرورت حمایت از قدرت خرید خلوار روبرو است. در چنین فضایی، اهمیت بودجه

صرفاً به تعیین میزان درآمدها و هزینه‌های دولت محدود نمی‌شود؛ بلکه این سند باید مشخص کند منابع عمومی کشور چگونه تخصیص می‌یابند، کدام اولویت‌ها در صدر برنامه‌های دولت قرار دارند و سیاست مالی چه نقشی در ثبات اقتصادی و مهار تورم ایفا خواهد کرد. اصلاح بودجه

سال‌هاست به یکی از مطالبات کارشناسان اقتصادی و محورهای اصلی بحث درباره اصلاحات ساختاری در ایران تبدیل شده است. با این حال، تداوم کسری بودجه، تحقق نیافتن بخشی‌از درآمدهای پیش‌بینی شده، گسترش تعهدات مالی دولت و...



۷ و ۲

یادداشت - ۱

اصلی‌ترین بحران جهان در سه سال آینده



محمدحسین ادینی

افزایش هزینه استقراض و کاهش فروش پیش می‌روند، خروجی این دو گزاره، کاهش میزان توان جامعه برای پرداخت هزینه استقراض خواهد بود و این بحران اصلی آینده جهان محسوب می‌شود؛ بحران ناتوانی گروه عظیمی از بدهکاران از پرداخت بدهی خود.

اما این همه ماجرا نیست خروجی نهایی یک چیز است؛ دارایی بدهکاران به ازای طلب به تملک طلبکاران در می‌آید و بحران تمام می‌شود. بازنده طلبکاران جهان هستند.

۱) **واقعیت آن است که دیگر امریکا، فرانسه و جهان ندارد**، در همه جهان ۷۰ درصد فروش همه اقلام و کالاها در اختیار ۵۰ شرکت و ۳۰ درصد فروش در اختیار باقی کشورها و مردم جهان قرار دارد. وقتی ۷۰ درصد همه سودها فقط در اختیار ۵۰ شرکت باشد و بقیه جهان فقط ۳۰ درصد سود را در اختیار داشته باشند.

این ۳۰ درصد که ۹۹ درصد جامعه هستند تحت فشار هزینه زندگی قرار می‌گیرند، در ادامه جامعه دوقطبی می‌شود و تنش‌ها و تنازع‌ها شکل می‌گیرد.

لذا کسانی که تحت فشار هزینه زندگی‌اند مقابل کسانی که تحت فشار هزینه زندگی نیستند؛ قرار می‌گیرند.

فرانسه آغاز داستان این رویارویی‌هاست. مسائل و تنش‌هایی که امروز در فرانسه مشاهده می‌شود ناشی از این عدم تعادل‌ها در اقتصاد و معیشت است.

جهان حول و حوش کسانی که تحت فشار فزاینده هزینه زندگی‌اند و افراد و جریاناتی که تحت فشار هزینه زندگی نیستند، دوقطبی می‌شود و اینها شروع به در برابر هم قرار گرفتن و تنازع با هم می‌کنند.

این بحث نکته سومی هم دارد، واقعیت‌هایی که در آن کشور مشاهده می‌شود. باید توجه داشت که بقیه جهان هم در ادامه راه فرانسه را می‌روند.

۲) **واکنش امریکا به این شرایط چیست؟ استراتژی جدید امریکا**، رها کردن متحدین سنتی امریکاست و این روند هم منحصر به ترامپ هم نخواهد بود.

البته بعد از آنکه ترامپ متحد سنتی خود را رها کرد اقتصاد آن کشور هم سقوط آزاد خواهد کرد و اروپا نمونه آن است، اقتصاد اروپا به میزانی که امریکا آن را رها کند سقوط می‌کند.

۳) **حال نقش روسیه و چین در این منازعه چیست؟ و اهبرد امریکا و انگلیس**؛ بر یک نکته کلیدی غیر قابل مذاکره استوار است، تجارت بین‌الملل امری دریایی است و نه زمینی، لذا راهبرد چین که مبتنی بر یک جاده - یک کمربند است، شکست می‌خورد.

علاوه بر آن دسترسی روسیه از طریق ایران به دریا برای تجارت با دیگر کشورها به صورت جدی تحقق نخواهد یافت.

این بحث نکته سومی هم دارد، توسعه امری ساحلی است و ثروت در جهان از مناطق غیر ساحلی به سمت مناطق ساحلی روان است؛ مفهوم جهان چهارم در چنین فضایی معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

این بحث یک نکته است صنعت در جهان سوم فقط در شرق آسیا تحمل می‌شود؛ هر چه که برخلاف این چهار اصل رشد کند نهایت شکست می‌خورد از جمله پروسه توسعه صنعتی در ایران؛ صنایع بورسی ایران را هم در همین قاب باید دید.

(به خاطر داشته باشید تهران یک شهر غیر ساحلی است)

۴) **هدف از جنگ خلیج فارس و اوکراین تضعیف شدید اقتصاد کشورهای نفتی و قطع دسترسی اروپا و چین به نفت اوزان است**.



سامانه پیامکی روزنامه تعادل

۳۰۰۵۳۲۰

شورای عالی کار در آخرین

نشست‌های تعیین مزد سال ۱۴۰۴، وعده بازنگری دستمزد در نیمه دوم سال ۱۴۰۵ را مشروط به مهار نشدن تورم و جهش هزینه‌های زندگی کرد؛ وعده‌ای که امروز با رسیدن

رقم سبد معیشت به سطوح بی‌سابقه، بیش از هر زمان دیگری به آرزویی برای اعتبار سه جانبه‌گرایی در کشور بدل شده است. با این حال، تکرار ادعای ترمیم مزد بدون برخورداری از پشتوانه شکل‌های مستقل، نبود حق اعتراض صنفی و بی‌تفاوتی ساختار تصمیم‌گیری نسبت به تعهدات بین‌المللی، این قبیل مصوبات را از یک توافق الزام‌آور به نمایش‌هایی بی‌اثر تنزل داده است؛ مسیری فرسایشی که کارگران را به ورطه بقا کشانده و سیاستگذاران را در برابر خطر رها شدن فنر فشرده معیشت قرار می‌دهد. بر این اساس شورای عالی کار در پایان سال گذشته تصمیم گرفت در صورتی که نرخ تورم روندی فزاینده پیدا کند و سبد معیشت کارگری دچار نوسان معنادار شود، در نیمه دوم سال جلسات فوق‌العاده تشکیل داده و بازنگری واقعی در حقوق و



فرامرز توفیقی

خبر اخیر هم‌زمان با جهش قیمت‌الاهای اساسی، این بحث مجدداً در محافل کارگری و رسانه‌ای مطرح شده است. در نگاه نخست، مشروط کردن مزد به تغییرات هزینه زندگی گامی عقلانی و منطقی با رویه‌های پذیرفته شده جهانی به نظر می‌رسد. در اقتصادهای توسعه یافته و صنعتی، سازوکار سه‌جانبه‌گرایی واقعی حاکم است؛ شکل‌ها و اتحادیه‌های مستقل، همگام با تغییرات ملموس در تورم واقعی، پشت میز مذاکره می‌نشینند و موازنه‌ای منصفانه میان کارفرما و نیروی کار برقرار می‌کنند. مانیز شاید می‌توانستیم ادعا کنیم که با تصویب چنین بندی یک قدم به جلو برداشته‌ایم، مشروط بر آنکه زیرساخت نهادی آن در اقتصاد ما وجود می‌داشت، واقعیت تلخ این است که در ایران مفهوم «شکل‌یابی مستقل کارگری» نهادهای آن در اقتصاد ما وجود می‌داشت، واقعیت تلخ این است که در ایران مفهوم «شکل‌یابی مستقل کارگری» عملاً بلاموضوع شده است. اندک نهادهای صنفی موجود، شاید تنها نماینده ۱۵ تا نهایتاً ۲۰ درصد از کل جمعیت میلیونی حقوق‌بگیران باشند و از قضا بخش اعظم همین اقلیت نیز ساختاری دولتی یا شبه‌دولتی دارند و فاقد اراده و قدرت اجرایی مستقلند. در جهان توسعه‌یافته، دولت‌ها حق برگزاری تجمعات و اعتصابات صنفی (تا کدیمی کتب صنفی و نه سیاسی) را به رسمیت شناخته‌اند؛ امری که در چارچوب مقاله‌نامه‌های

دستمزدها صورت گیرد. اخیراً نیز هم‌زمان با جهش قیمت‌الاهای اساسی، این بحث مجدداً در محافل کارگری و رسانه‌ای مطرح شده است. در نگاه نخست، مشروط کردن مزد به تغییرات هزینه زندگی گامی بی‌محتوا، غیرقابل اجرا و بدون ضمانت عملی نخواهد بود. اکنون کافی است وضعیت عینی معیشت را محک بزنیم. اگر با همان فرمول رسمی و نعل‌به‌نعل کمیته دستمزد، از قام شهر یورماه امسال را محاسبه کنیم، سبد معیشت به رقم سرسام‌آور حدود ۲۱ میلیون تومان می‌رسد. اینجا پای هیچ شهیدمبارزی و آمارسازی در میان نیست؛ این رقم برآمده از همان متر و معیاری است که در جلسات رسمی مورد توافق قرار گرفته بود، نگاهی به سفره کارگران عمق این فاجعه را عیان می‌کند؛ از ابتدای سال جاری تاکنون، لیبینا دست کم پنج بار اقلام پروتئینی سه بار و روغن سه بار مجوز گرانی رسمی و غیررسمی گرفته‌اند، وضعیت برنج و سایر اقلام ضروری نیز آشکار از آن است که نیازی به توصیف داشته باشد. نکته اساسی اینجا است که مهار قیمت‌ها از دست مدیریت کاملاً خارج شده است. در حقیقت، نظارتی بر سهت سخت بازار وجود ندارد و قیمت‌گذاری کالاها به با سیاست‌های اعلامی، بلکه مستقیماً با نوسانات نرخ از تنظیم می‌شود. در چنین شرایطی، بطور می‌توان انتظار داشت بازاری

بنیادین سازمان بین‌المللی کار تضمین می‌شود. وقتی ساختار اجرایی کشور هنوز تمایلی به تمکین در برابر این مقاله‌نامه‌ها ندارد و ابزارهای چانه‌زنی واقعی از طبقه کارگر سلب شده، نتیجه چیزی جز تصویب بندهای بی‌محتوا، غیرقابل اجرا و بدون ضمانت عملی نخواهد بود. اکنون کافی است وضعیت عینی معیشت را محک بزنیم. اگر با همان فرمول رسمی و نعل‌به‌نعل کمیته دستمزد، از قام شهر یورماه امسال را محاسبه کنیم، سبد معیشت به رقم سرسام‌آور حدود ۲۱ میلیون تومان می‌رسد. اینجا پای هیچ شهیدمبارزی و آمارسازی در میان نیست؛ این رقم برآمده از همان متر و معیاری است که در جلسات رسمی مورد توافق قرار گرفته بود، نگاهی به سفره کارگران عمق این فاجعه را عیان می‌کند؛ از ابتدای سال جاری تاکنون، لیبینا دست کم پنج بار اقلام پروتئینی سه بار و روغن سه بار مجوز گرانی رسمی و غیررسمی گرفته‌اند، وضعیت برنج و سایر اقلام ضروری نیز آشکار از آن است که نیازی به توصیف داشته باشد. نکته اساسی اینجا است که مهار قیمت‌ها از دست مدیریت کاملاً خارج شده است. در حقیقت، نظارتی بر سهت سخت بازار وجود ندارد و قیمت‌گذاری کالاها به با سیاست‌های اعلامی، بلکه مستقیماً با نوسانات نرخ از تنظیم می‌شود. در چنین شرایطی، بطور می‌توان انتظار داشت بازاری

فعال کارگری و کارشناس روایت کار

در کشمکش ریسک؛ فرصت‌ها در دل ابهام شکل می‌گیرند

ظرفیت سودسازی آنها و شناسایی گزینهای مناسب‌تر فراهم می‌کنند. این فرصت در روزهای هیجانی و صعودهای پرشتاب، کمتر در دسترس سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد، زیرا در آن مقاطع، تصمیم‌گیری‌ها بیشتر تحت تأثیر انتظارات و هیجانات بازار قرار دارند. اگر چرخه‌های گذشته بازار سرمایه را بررسی کنیم، می‌بینیم که دوره‌های کودویی اعتمادی گامی به زمینه‌ساز شکل‌گیری روندهای صعودی جدید شده‌اند. با این حال نمی‌توان صرفاً بر اساس تجربه گذشته نتیجه گرفت که پایان رکود فعلی قطعی است یا بازار الزاماً همان مسیر دوره‌های پیشین را تکرار خواهد کرد.

آنچه اهمیت دارد، بررسی هم‌زمان متغیرهای اقتصادی، روند سودآوری شرکت‌ها، جریان نقدینگی و وضعیت ریسک‌های سیاسی است. در چنین چارچوبی می‌توان سناریوی بازگشت به قدرت بازار را ثبت تعداد بالاتر در شاخص‌ها را به عنوان یک احتمال جدی بررسی کرد، نه نتیجه‌ای قطعی و تضمین شده‌است. در تداومت، همچنان بافضایی مبهم و حساس روبه‌رو هستیم؛ تشدید تنش‌های سیاسی و بین‌المللی می‌تواند بار دیگر فشار فروش را افزایش دهد و حتی نمادهایی را که از منظر بنیادی جذاب به نظر می‌رسند، با افت قیمت مواجه کند. تجربه‌های گذشته‌ماز جمله تحولات بازه‌اسفند تا اردیبهشت، نشان داده است که تغییرات ناگهانی در سطح ریسک‌های سیاسی می‌تواند مسیر بازار را به سرعت تغییر دهد. بنابراین در شرایط فعلی نمی‌توان احتمال اصلاح بیشتر قیمت‌ها یا تداوم نوسانات را نادیده گرفت. با وجود این، چنین فضایی لزوماً به معنای کنار کشیدن کامل از بازار نیست. برای سرمایه‌گذاری که فاقد زمانی بلندمدت دارند، مدیریت نقدینگی، خرید مرم‌ح‌لای، پرهیز از ورود یک‌باره و اتمام سرمایه و تشکیل سبدی متنوع از شرکت‌های دارای

در چنین فضایی، مهم‌ترین مساله تشخیص تفاوت میان ریسک‌های کوتاه‌مدت و ظرفیت‌های بلندمدت بازار است. اگر روند کلی اقتصاد، تورم، عملکرد شرکت‌ها و متوجه ارزش‌گذاری سهام را در کنار یکدیگر قرار دهیم، متوجه می‌شویم که در بسیاری از نمادها فاصله‌قابل توجهی میان قیمت‌های فعلی و سطوح قیمتی ثبت شده در دوره‌های پررونق گذشته وجود دارد.

البته این فاصله به تنهایی به معنای از زندگی قطعی نیست؛ بسیاری از نمادها، شرایطی ایجاد کرده است که برخی وضعیت‌دارایی‌هاو چشم‌انداز فعالیت شرکت‌ها، می‌تواند زمینه شناسایی فرصت‌های جذاب سرمایه‌گذار را فراهم کند. از سوی دیگر، تورم ادامه‌دار اقتصاد ایران، در صورت تداوم می‌تواند بر درآمد اسمی و ارزش جایگزینی دارایی‌های بسیاری از شرکت‌ها اثر بگذارد. شرکت‌هایی که توانایی حفظ حاشیه سود، مدیریت هزینه‌ها و رشد واقعی سودآوری را دارند، ممکن است در بلندمدت از این شرایط بهره‌مند شوند. با این حال، افزایش تورم لزوماً به رشد یکسان تمام نمادها منجر نمی‌شود. عواملی مانند نرخ ارز، قیمت‌گذاری دستوری، هزینه‌تأمین مالی، محدودیت‌های تجاری و سیاست‌های اقتصادی نیز می‌توانند مسیر سودآوری شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار دهند.

رکود طولانی مدت بازار و کاهش توجه سرمایه‌گذاران به بسیاری از نمادها، شرایطی ایجاد کرده است که برخی سهام‌رامی‌توان با حجم‌های قابل توجه و بدون فشار خرید سنگین معامله کرد. چنین وضعیتی برای سرمایه‌گذاری که دیدگاه بلندمدت دارند، می‌تواند فرصتی برای بازبینی سبد دارایی‌ها، اصلاح ترکیب سرمایه‌گذاری و افزایش تدریجی وزن نمادهای منتخب باشد.

دوره‌های رکود معمولاً فرصت مناسبی برای بررسی دقیق تر صورت‌های مالی، مقایسه ارزش بازار با شرکت‌ها با

برآورد بازدهی ۱۰ درصدی پادشاه‌ارزهای دیجیتال

در کنار هشدار درباره نوسانات شدید

بیت کوین از طلا و سهام پیشی می‌گیرد؟

صفحه ۶

«تعادل» بررسی می‌کند

ناترازی دامنگیر بازار سرمایه می‌شود؟

با رسیدن به فصل سهم‌پبندی گاز، مجدداً ریسک تولید و سودآوری صنایع بورسی به کانون توجه بازار سرمایه تبدیل شده‌در شرایطی که نیازروانه صنعت به گاز ۲۴۰ میلیون مترمکعب برآورد شده، سهمیه تعدیل‌شده به ۱۶۱ میلیون مترمکعب رسیده و فاصله میان نیاز و میزان تأمین انرژی می‌تواند عملکرد شرکت‌ها را در ماه‌های پیش‌رو تحت تأثیر قرار دهد. تجربه سال‌های گذشته...

صفحه ۴ را بخوانید

«تعادل» گزارش می‌دهد

پازل نامتقارن طلای سیاه

صنعت نفت ایران در نقطه عطفی تاریخی میان «ضرورت جهش یا تثبیت تولید» و «محدودیت‌های فنی زیرساخت‌های فراورشی و انتقال» قرار گرفته است. سال‌هاست که مباحثات کلان‌انرژی کشور پیرامون حجم ذخایر، تعداد دک‌ل‌های فعال حفاری و آمار استخراج روزانه متمرکز مانده، اما کلون‌های اصلی بحران‌های پنهان عملیاتی در جایی فراتر از دهانه چاه‌ها نهفته است؛ در شبکه پهنه‌سازی تأسیسات سطحی، خطوط انتقال، ظرفیت تفکیک گر‌ها و تاب‌آوری ایستگاه‌های تقویت فشار. واقعیت روی زمین نشان می‌دهد که بدون بازطراحی معماری فراورشی متناسب با دگرگونی‌های رفتار مخازن، هر گونه برنامه‌ریزی برای صیانت یا افزایش تولید، برخورد با دیوار ی از گلوگاه‌های لجبستیکی و هیدرولیکی خواهد بود. یکی از چالش‌های بنیادین در سیاست‌گذاری بالادستی، تفکیک نامناسب میان «توان تئوریک بهره‌دهی چاه‌ها» و «ظرفیت واقعی دریافت تأسیسات» است. در برنامه‌ریزی‌های کلان، گاه چنین فرض می‌شود که باز کردن شیر یک حلقه چاه یا تکمیل عملیات لوله‌مغزی و شکاف‌هیدرولیکی...

صفحه ۳ را بخوانید

یادداشت - ۴

پیش شرط توسعه صادرات صنایع غذایی

صنایع غذایی ایران از ظرفیت مناسبی برای توسعه صادرات برخوردار است، اما غریغزنی بر وجود ران است، اما استفاده از این ظرفیت به رفع موانع تجاری، ایجاد ثبات در مقررات و حمایت هدفمند از صادرکنندگان نیاز دارد. توسعه صادرات تنها به توان تولید



رشید عزیزپور

یا کیفیت محصول وابسته نیست، بلکه بنگاه‌ها برای حضور مستمر در بازارهای خارجی به سیاست‌های قابل پیش‌بینی، دسترسی مناسب به مواد اولیه و سازوکارهای متناسب با واقعیت‌های تولید و تجارت نیاز دارند.

یکی از موانع مهم در مسیر توسعه صادرات صنایع غذایی، نبود مشوق‌های صادراتی مناسب است. حمایت‌دهندگان از صادرکنندگان می‌توانند انگیزه بنگاه‌ها را برای حضور پایدار در بازارهای بین‌المللی افزایش دهند؛ زمینه‌گسترش بازارهای هدف، فراهم‌کردن در شرایطی که صادرکنندگان برای حفظ مشتریان خارجی با رقابت تولیدکنندگان سایر کشورها مواجهند، سیاست‌های حمایتی باید به گونه‌ای طراحی شوند که امکان برنامه‌ریزی بلندمدت و تداوم فعالیت در بازارهای صادراتی را تقویت کنند.

از سوی دیگر، ممنوعیت صادرات برخی کالاها در دوره‌ها و شرایط مختلف، یکی از مشکلات جدی فعالان این حوزه است. تولیدکننده‌ها و صادرکننده‌ها بر اساس سفارش مشتری، ظرفیت تولید، هزینه‌های تأمین مواد اولیه و زمان‌بندی تحویل کالا را نامر‌ب‌ری می‌کنند. تغییر ناگهانی مقررات یا ممنوعیت صادرات پس از شکل‌گیری تعهدات تجاری می‌تواند اجرای قرارداده‌ا را با مشکل مواجه کند و به اعتبار صادرکننده ایرانی در بازار مقصد آسیب‌زند.

حضور موفق در بازارهای خارجی به اعتماد و استمرار وابسته است. مشتری خارجی باید مطمئن داشته باشد که صادرکننده می‌تواند در زمان مقرر و بر اساس شرایط توافق شده، کالا را تحویل دهد. هنگامی که به معنای تنظیم صورت‌ناگهانی تغییر می‌کنند، این اطمینان تضعیف می‌شود و ممکن است خرید را برای تأمین نیاز خود سراف

عرضه‌کنندگان کشورهای دیگر برود. دست‌دادن چنین بازو‌هایی نیز لزوماً با رفع ممنوعیت یا بازگشت شرایط عادی جبران نمی‌شود.

به همین دلیل، سیاست‌گذاری تجاری باید تاحداً امکان از تصمیم‌های مقطعی و غیرقابل پیش‌بینی فاصله‌بگیرد. اگر در شرایط خاص، محدودیتی برای صادرات ضروری تشخیص داده شود، لازم است آثار آن بر قراردادهای موجود، تعهدات بنگاه‌ها و اعتبار تجاری کشور نیز مورد توجه قرار گیرد. ثبات مقررات به معنای نادیده گرفتن نیازهای داخلی نیست، بلکه به معنای تنظیم سیاست‌ها به شکلی است که مدیریت بازار داخل با تداوم فعالیت‌های صادراتی و حفظ بازارهای خارجی در تعارض غیر ضروری قرار نگیرد.

موضوع دیگری که بر فعالیت صادرکنندگان اثر می‌گذارد، تغییرات غیرقابل پیش‌بینی در تعرفه‌های صادراتی و مقررات مرتبط با تجارت است. بنگاه‌ها برای تعیین قیمت محصول، مقدار داده و برنام‌ریزی تولید به مجموعه‌ای از متغیرهای نسبتاً پایداری نیاز دارند. تغییر ناگهانی تعرفه‌ها می‌تواند محاسبات اقتصادی قرارداده‌ا را برهم‌زند و هزینه‌های را به‌ص‌ر صادرکننده تحمیل کند که هنگام توافق با مشتری خارجی پیش‌بینی نشده‌اند. **ادامه در صفحه ۲**